

گُست

هنر ایف
معاصر **کا وصل**

کیوریتور: **شاهد صفاری**

طراح نمایشگاه: آرشد علی آبادی (اداره معماری داز)

#1
نمایشگاه
شماره یک

فرهاد احرارنیا / مریم اشکانیان / طاهر اسعد-بختیاری / فریدون او / زهرا ایمانی / قریبا بروفر /
بیبا فیاضی / مونا جولا / هُما دلواری / صنونا قائم / نگار فرجیانی / نرگس هاشمی /
عاطفه مجیدی نژاد / لاله معمار اردستانی / افسانه مدیرامانی / شادی پرند / هما شجاعی / شیرین ملتگهر /
هدا زرباف / فضای گودال باغچه: درسابسیج

کاشان، شهرک صنعتی امیرکبیر، خیابان سهراب سپهری، ۳۷۳۵۱۷۷۸۴ کدپستی: ۸۷۳۵۱۷۷۸۴
+98(910)228 2126 / +98(31)5550 3726
liikeh.art/info@liikeh.art/art.liikeh@gmail.com



کارخانه هنرلیکه در دل یک کارخانه فرش قدیمی در شهرک صنعتی امیرکبیر کاشان متولد شده است؛ جایی که سوله‌ها و فضاهای بلااستفاده با تغییر کاربری، جان تازه گرفته‌اند تا میزبان جریان‌های نو باشند. طراحی معماری این مجموعه در دفتر مهندسی دگرش و به دست مهندس محمدرضا عزیزی در تابستان ۱۴۰۳ به پایان رسید و ساخت آن با نظارت تیم معماری ایشان انجام شد.

ما باور داریم که هنر می‌تواند الهام‌بخش باشد، اندیشه را برانگیزد و پیوندهای انسانی را تقویت کند. در لیکه تلاش می‌کنیم بستری برای گفت‌وگو و همکاری میان هنرمندان و صنعتگران بسازیم؛ جایی که خلاقیت در کنار کارایی معنا پیدا کند و ظرفیت‌ها به واقعیت بدل شوند. ادغام صنعت با هنر، ابزارها و امکانات تازه‌ای برای بیان ایده‌ها در اختیار هنرمندان قرار می‌دهد و در عین حال بازتابی از حضور پررنگ فناوری و صنعت در هنر معاصر است. هدف ما ایجاد یک اکوسیستم پویا و منعطف است تا هنرمندان بتوانند ایده‌های خود را در فضایی باز و خلاقانه پرورش دهند. ما به دنبال شکل‌دادن شبکه‌های انسانی تازه، رونق بخشیدن به حرفه هنرمندان، ترغیب صاحبان صنایع به توجه بیشتر به هنر و ایفای نقش در بهبود سیمای شهری هستیم.

کارخانه هنرلیکه

در گویش محلی، «لیکه» به معنای گندم تازه جوانه زده است؛ نمادی از رویش، تازگی و زندگی. کارخانه هنرلیکه نیز درست با همین نگاه شکل گرفته است؛ فضایی مستقل در دل یک منطقه صنعتی که در آن، هنر و صنعت در هم می‌آمیزند تا تجربه‌هایی نو و ماندگار پدید آید.





(عکاس: فرانک پاکزاد)

شاهد صفاری

(متولد ۱۳۶۴، تهران، ایران)

شاهد صفاری هنرمند و کیوریتور ایرانی ست که با تمرکز بر مفاهیم شکل گرفته از فرهنگ ایرانی می‌کوشد نمایش‌هایی برگزار کند که روایتگر بخشی از هنر معاصر ایران است. او همچنین در همکاری با گالری‌هایی از جمله "این/جا" و "دستان"، نگارش مقالات، برگزاری کارگاه‌ها و حضور در هیئت‌مدیره انجمن صنفی گالری‌داران ایران در توسعه فضای هنری کشور نقش آفرینی کرده است. تمرکز فعلی او بر کیوریتوری نمایشگاه‌ها و تلاش برای معرفی هنر معاصر ایران در سطح بین‌المللی است.

گسست کا وصل هنر ایاف معاصر

کاشان، خاستگاه تاریخی نساجی ایران، هنوز هم ردپای این پیشینه را در معماری و حافظه‌ی جمعی‌اش حفظ کرده است. برگزاری پروژه‌ی گسست تا وصل در شهرک صنعتی نساجی کاشان این پیوند را عینی‌تر می‌کند و فضای تاریخی و صنعتی شهر را به زمینه‌ای زنده برای تجربه‌ی آثار بدل می‌سازد.

میان تمامی تفاوت‌های شکلی و اجرایی، یک پیوند درونی میان آثار برقرار است: بازگشت به گذشته و بازآفرینی آن در اکنون. گاه این گذشته به پیشینه‌ی خانوادگی و تجربه‌ی شخصی هنرمند بازمی‌گردد، و گاه به حافظه‌ی جمعی و تاریخی که همچنان در تار و پود زندگی ما حضور دارد.

نخ، تار و پارچه در این آثار تنها مواد اولیه نیستند؛ بلکه ابزارهایی برای ثبت و انتقال حافظه‌اند. هنرمندان با استفاده از تکنیک‌هایی که ریشه در سنت دارند، زبان تازه‌ای می‌سازند که تجربه‌ی فردی و اجتماعی امروز را بیان می‌کند.

این پروژه در تلاش است که نشان دهد که چگونه نساجی و هنر ایاف، با وجود پیوند عمیق با سنت، می‌تواند بستری باشد برای بیان فردی و معاصر. هنر پارچه در اینجا نه بازتولید گذشته، بلکه عرصه‌ای برای بازآفرینی تجربه‌ی زیسته‌ی هنرمندان امروز است.

«شاهد صفاری»



فهرست هنرمندان

فرهاد احرارنیا / طاهر اسعد-بختیاری / مریم اشکانیان / زهرا ایمانی / فریدون آو / فریبا بروفر /
شادی پرند / مونا جولا / همای دلورای / هدا زرباف / هما شجاعی / نگار فرجیانی / بیتا فیاضی /
صونا قائم / عاطفه مجیدی نژاد / افسانه مدیرامانی / لاله معماراردستانی / شیرین ملت گهر /
نرگس هاشمی /

+ فضای گودال باغچه: درسا بسیج





مثل یک دعا / ۷۰×۷۰ سانتی متر / سرمه، مروارید مصنوعی و ترمه / ۱۴۰۳

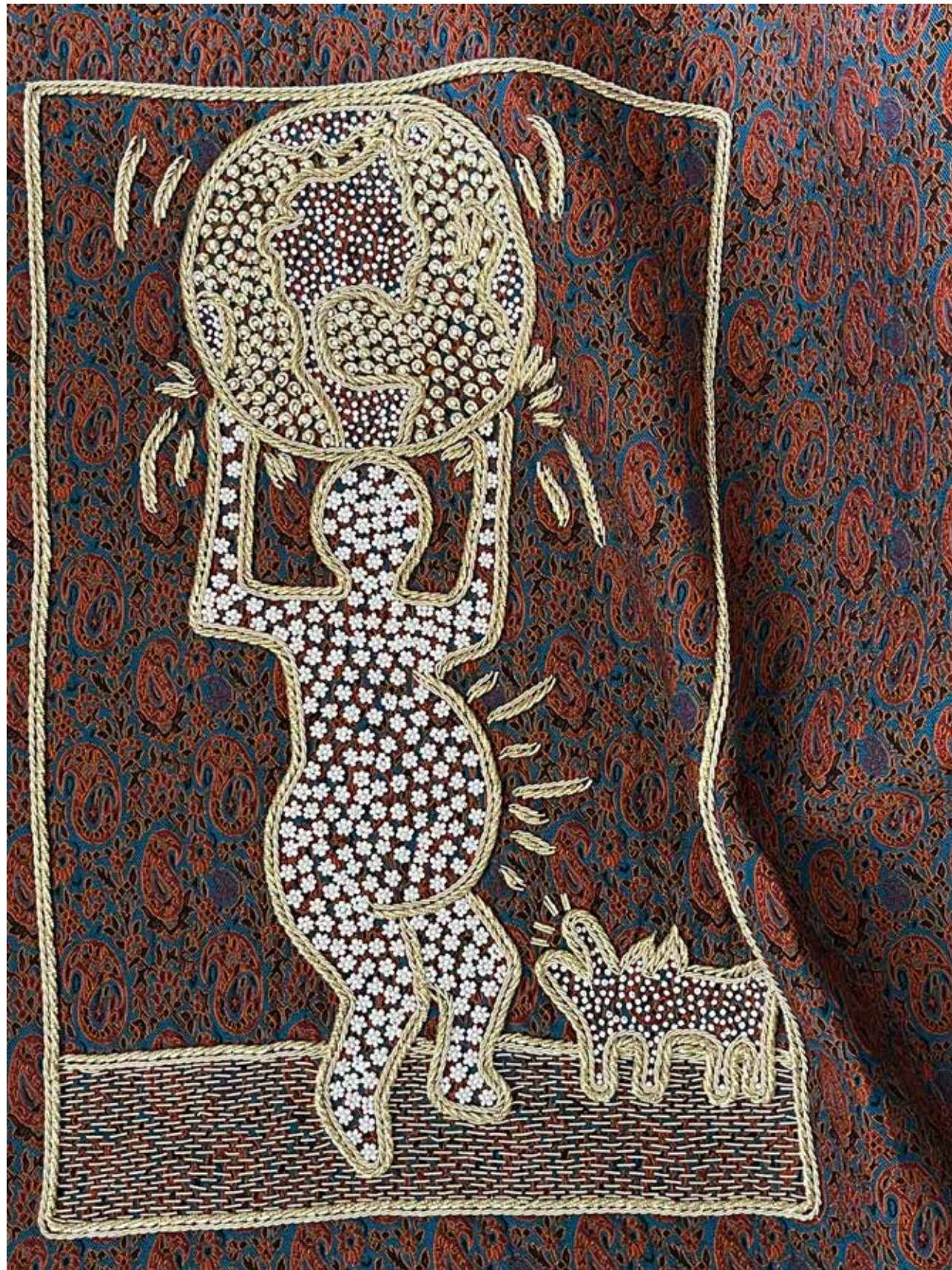


فرهاد احرارنیا

(متولد ۱۳۵۰، شیراز، ایران)

او همچنان به کالبدشکافی و بازآفرینی روح و تجربه‌ی مدرنیته و مدرنیسم در بافت‌هایی فراتر از انحصار غرب می‌پردازد. بدین ترتیب، او دسته‌بندی‌ها، روایت‌ها و دوگانگی‌های تثبیت‌شده‌ی تاریخ هنر را درهم می‌تند، می‌پیچاند، پیچیده‌تر می‌سازد و گاه دچار وقفه می‌کند.

فرهاد احرارنیا ساکن شیراز و شفیلد است. او از مجموعه‌ای گسترده از تکنیک‌های صنایع‌دستی که با محیط‌های زندگی‌اش ارتباط دارند بهره می‌گیرد و دانش خود را از آن‌ها می‌اندوزد. از طریق رویکردی ساختارگرانه در رجوع به تاریخ هنر، به ویژه مکتب سقاخانه، کانستراکتیویسم روسی و سوررئالیسم،



مثل یک دعا / ۷۰ × ۷۰ سانتی متر / سرمه، مروارید مصنوعی و ترمه / ۱۴۰۳

فرهاد احرارنیا

سرمه دوزی با سابقه فرهنگی بیش از دو هزار و پانصد سال در دوره صفویان در شهرهای یزد، اصفهان و کاشان به اوج شکوه و قابلیت های تصویرسازی رسید. در نزد هنرمند ایرانی فرهاد احرارنیا خصلت های ساختاری و اکسپرسیو (expressive) این مدیوم مورد آزمایش و بهره وری قرار می گیرند. هنرمند با وام گرفتن و اشاره به سایر هنرمندان معاصر امکان به وجود آوردن روایت ها و شکل گیری های جدیدی از سرمه دوزی و ترجمه و خوانش دیگری از این آثار را فراهم می سازد.



بدون عنوان ۵۲ / ۶۰ × ۴۰ سانتی متر / پشم، گبه، درهم بافته با تور / ۱۴۰۳



طاهر اسعد - بختیاری

(متولد ۱۳۶۱، تهران، ایران)

آن را به نیویورک گسترش داد. مجموعه آثار او شامل پروژه‌ی Tribal Weave بازآفرینی چندلایه و مداوم مصنوعات عشایری و بشکه‌های بازیافته، واکاوی استعاری مخازن نفت خام است. طاهر در حال حاضر میان تهران، دبی و نیویورک زندگی و کار می‌کند.

طاهر اسعد-بختیاری، هنرمندی خودآموخته است که فعالیت‌هایش طیفی از اشیا، بافته‌ها و تجربه‌های غوطه‌ور کننده را در بر می‌گیرد. او پس از تحصیل در رشته‌های چندرسانه‌ای و مدیریت در کانادا و سوئیس، یک آژانس خلاقیت در تهران تأسیس کرد و بعدها



بدون عنوان ۲۱ / ۱۶۰ × ۱۶۰ سانتی متر / پشم، گبه، درهم بافته با تارهای نمایان / ۱۴۰۳

طاهر اسعد - بختیاری

طاهر اسعد - بختیاری رویکردی معاصر به هنر نساجی ارائه می‌دهد و دیوارکوب‌های باز و جسورانه‌ای خلق می‌کند که بازتفسیرقالیچه‌های گلیم و گبه‌های پرگره‌ای هستند که ریشه در سنت‌های فرهنگی زادگاه او دارند. ساختارهای پارچه‌ای او شامل الگوهای مثلثی بزرگ است که با خطوط و میله‌های راه‌راه تقاطع یافته‌اند. فرم‌های مینیمالیستی که منطق تار و پود را به چالش می‌کشند و فرم‌های زمین، نمادشناسی کهن و هندسه‌های تکرارشونده طراحی پیشگام نیمه دوم قرن بیستم، مانند کالج بلک مانتین، را یادآور می‌شوند.

این آثار بافته شده از پشم دست‌ریس و رنگ شده به صورت طبیعی، با گاه‌به‌گاه استفاده از مواد معاصر، تعامل میان فرم و فضا را کاوش می‌کنند و بخش‌هایی هوایی و تقریباً شفاف از تارهای نمایان شده را آشکار می‌سازند. با عبور نور و هوا از شبکه‌های باز این آثار، الگوهایی از تیرک‌های اصلی بافت پدیدار می‌شوند و زیبایی فضای منفی را نمایان می‌کنند.



بدون عنوان / ۱۲۰ × ۱۲۰ × ۲۰ سانتی متر / دوخت روی پارچه / ۱۴۰۳

هنرمند نیز همین مسیر را می‌پیماید: در مواجهه با تجربه‌ها و مسائل فردی و اجتماعی، بارسنگینی از پرسش و درد را در خود انباشته می‌کند. زمانی می‌رسد که این بار قابل تحمل نیست و او برای رهایی و تسکین، به «هراش» دست می‌زند: آنچه در ژرفای وجودش رسوب کرده، به اثر هنری بدل می‌شود. آفرینش، برای هنرمند پالایشی دردناک اما شفا بخش است؛ فرصتی برای سبک شدن، نفس کشیدن دوباره و امکان زیستن در میان آنچه آزار می‌دهد.

«هراش» به معنای بیرون آوردن آگاهانه‌ی آن چیزی است که روح را فرسوده و مضطرب می‌کند؛ کنشی برای آشکار کردن رنج در لحظه‌ای که پنهان کاری دیگر ممکن نیست و فشار درونی به مرز انفجار رسیده است.

در طب و حکمت قدیم، هراش روشی درمانی و پالایشی بود؛ راهی برای پاکسازی بدن از اخلاط و سموم، تا تعادل و آرامش دوباره به تن بازگردد. این عمل نه واکنشی گذرا، بلکه فرآیندی پیشگیرانه برای سبکبالی و سکون در جسم و جان به شمار می‌رفت.



مریم اشکانیان

(متولد ۱۳۶۷، بندرانزلی، ایران)

اشکانیان در رزیدنسی‌ها و بینال‌های معتبر همچون Rijswijk Textile Biennial در هلند، AIR Antwerpen در بلژیک و برنامه‌ی Space A در نیپال شرکت کرده است. او جوایز و تقدیرهایی از جمله جایزه‌ی ویژه‌ی پرویزملکی در «نسل نو» و انتخاب در International Emerging Artist Award دبی را نیز دریافت کرده است.

از سال ۱۳۹۹ با تأسیس گالری «چوم» در بندرانزلی، نقشی فعال در صحنه‌ی هنر معاصر ایران ایفا می‌کند و با پروژه‌هایی چون Choom Outside Projects هنر را به فضاهای زیست‌روزمره می‌آورد. مسیر هنری او تلفیقی از کاوش شخصی، تجربه‌های بین‌المللی و مسئولیت اجتماعی است؛ صدایی فردی که از خواب و خاطره آغاز می‌شود و در شبکه‌ای از گفت‌وگوهای جهانی طنین می‌یابد.

هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز است که آثارش در مرز میان نقاشی و حجم شکل می‌گیرند. در کارهای او، پارچه به مدیومی زنده برای روایت بدن، خواب و خاطره بدل می‌شود. او دانش آموخته‌ی رشته‌ی نقاشی از دانشگاه گیلان است و از همان ابتدای مسیر، با رویکردی تجربی و جسورانه، زبانی شخصی در هنر معاصر شکل داد. از سال ۲۰۱۱ تاکنون بیش از ده نمایشگاه انفرادی در ایران و اروپا داشته است؛ از جمله در گالری هما (تهران)، گالری پدramی (آنتورپ)، و AIR Antwerpen (بلژیک). تازه‌ترین پروژه‌اش با عنوان Purge در گالری اعتماد و کارخانه آرگو (تهران، ۲۰۲۵) به نمایش درآمد. آثار او در نمایشگاه‌های گروهی بین‌المللی نیز حضور داشته‌اند: از آرت ۱۴ لندن و آرت آسیا میامی تا پروژه‌های هنری در دبی، پاریس، مونیخ، ژنو و کاتماندو.



تختخواب (یک) / ۱۸۰×۲۵۰ سانتی متر / پارچه، تور، پولک / ۱۳۹۵



زهرا ایمانی

(متولد ۱۳۶۴، تهران، ایران)

ناکوک» در سال ۱۳۹۶ در گالری آ، تهران برگزار شد. در سال ۱۳۹۷ در نمایشگاهی که هنرمندان معاصر آثار بیژن صفاری را دستمایه قرار دادند در گالری دستان شرکت کرد. در سال ۱۳۹۸ سه اثر از او در نمایشگاه سه سالانه آسیا پاسیفیک، گالری هنرهای مدرن کوئینزلند استرالیا (QAGOMA) با کیوریتوری الی باتروز، برنده بهترین کیوریتور بی‌ینال ونیز سال ۲۰۲۴، به نمایش درآمد و هر سه اثر او برای مجموعه دائم موزه خریداری شد. در سال ۱۴۰۰ آثار خریداری شده توسط موزه QAGOMA در نمایشگاه «آشوب روح» در گالری بندیکو در ویکتوریای استرالیا که به آثار هنرمندان زن معاصر از سراسر جهان می‌پرداخت به نمایش درآمد.

زهرا ایمانی در سال ۱۳۸۴ شروع به تحصیل در رشته نقاشی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران کرد و در سال ۱۳۸۸ فارغ التحصیل شد. از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ به تصویرسازی برای کتاب‌ها و نشریات کودکان پرداخت و مدتی در سال ۱۳۸۹ در پروژه‌های نقاشی دیواری شهرداری تهران مشارکت کرد. تا سال ۱۳۹۱ نقاشی‌ها و طراحی‌های خود را در نمایشگاه‌های گروهی مختلف به نمایش گذاشت. از سال ۱۳۹۲ منحصراً به خلق آثار با استفاده از پارچه پرداخت و در سال ۱۳۹۵ در دو نمایشگاه با عنوان «امور خانگی» در گالری ایزابیل، دبی به همراه هنرمندانی همچون رکنی حائری‌زاده، رامین حائری‌زاده، نرگس هاشمی و عایشه خالد شرکت کرد. نمایشگاه انفرادی او با عنوان «نخ

«سیمای کلی آثار ایمانی حائز یک ویژگی تعیین کننده مفهومی است و آن به سخره گرفتن نظام مسلط مردسالارانه ارزیابی هنری است. در تمام آثار او گونه‌ای از حصر و حبس در فضایی داخلی که می‌تواند عمدتاً «خانه» تلقی شود به چشم می‌آید. مکان‌های دیگر هم دست کمی از خانه ندارند... ایمانی، با جسارتی تحسین برانگیز، تجربه آفرینش خود را در معرض همانندی با گونه‌ای از کار دستی قرار می‌دهد که همیشه در خانه و به دست زنان انجام می‌شود، بدین سیاق او مخاطب خود را به بازنگری شالوده‌شکنانه‌ای در خصوص چیستی هنر و نسبت آن با کار دست و کار زنان در خانه فرامی‌خواند. چه بسا همین شکاف‌های حاصل از این کوک زدن‌های رخنه‌گر، تاروپود صلب مسلط را متزلزل سازد به سان تنها فقط یک نت ناکوک که سمفونی پرشکوهی را با صوت ناموزون خود رسوا می‌کند.»

بخشی از متن تکه‌دوزی برای نمایشگاه نخ ناکوک، نوشته همایون سیریزی.

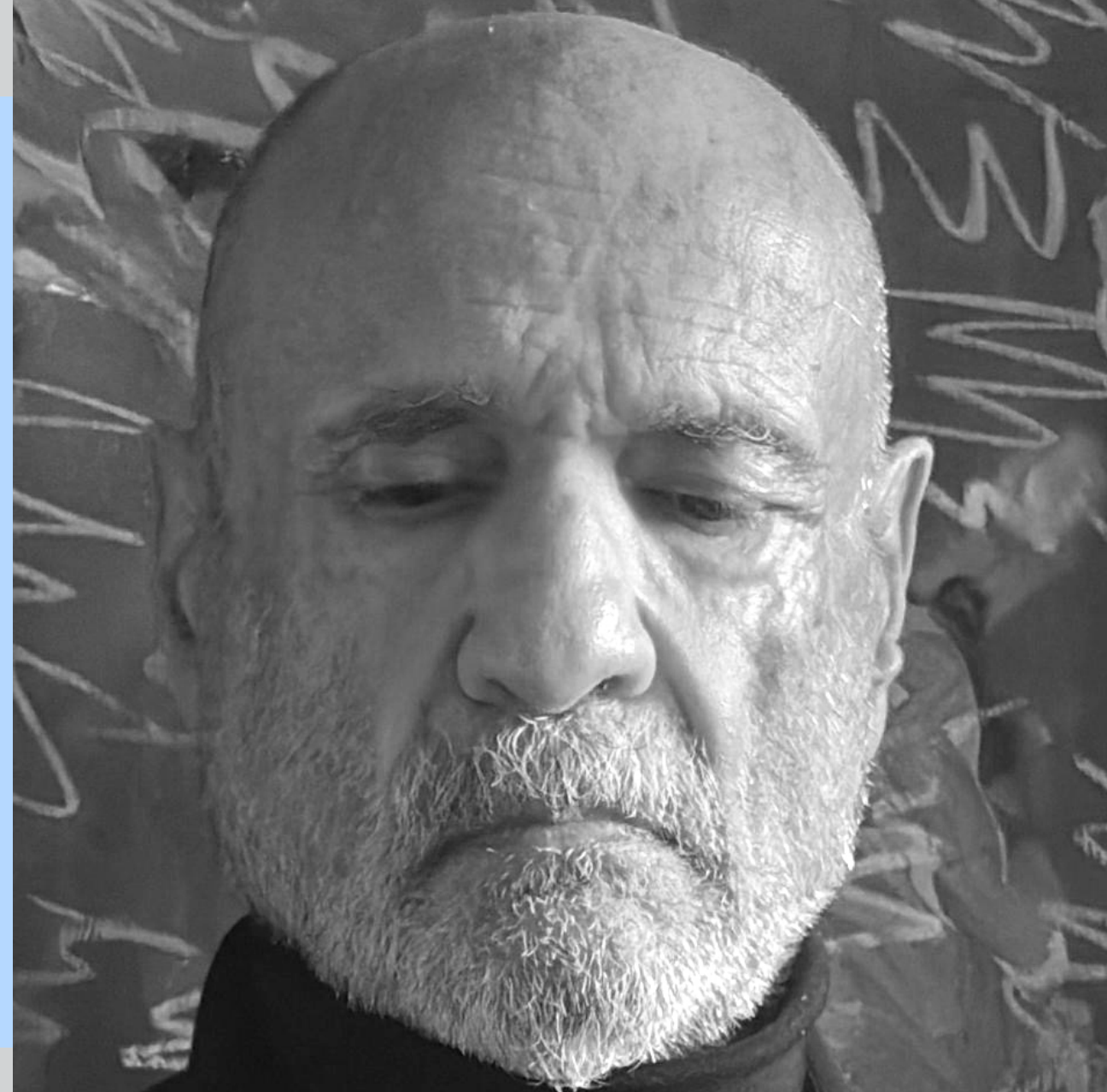
زهرا
ایمانی



بدون عنوان / ۱۸۰ × ۱۶۰ سانتی متر / پارچه، پنبه، تور، پولک، ملیله، منجوق / ۱۳۹۳



مجموعه چهار فصل: شاه عباس و ساقی / ۱۶۵ × ۲۳۷ سانتی متر / ترکیب مواد - وصله دوزی با پارچه های گوناگون / ۱۳۹۴



فریدون آو

(متولد ۱۳۲۴، تهران، ایران)

که فضاهای خالی وسیعی باقی می‌گذارد، زبانی بصری منحصر به فرد خلق کرده است که میان کثرت و خلوت تعادلی تازه می‌آفریند.

همکاری، جایگاهی محوری در کارنامه او دارد. پروژه‌های مشترک او با هنرمندان، گالری‌ها و نهادهای مختلف بخشی جدایی‌ناپذیر از کار اوست و نقش او را فراتر از یک خالق به پیوند دهنده، کیوریتور و گردآورنده ارتقا می‌دهد. از رهگذر این مسیرهای چندگانه، او نه تنها بدنه آثار خود بلکه محیطی را که هنر معاصر ایران در آن رشد می‌کند شکل داده است.

فریدون آو در بیش از پنج دهه نقشی محوری در شکل‌دهی به هنر معاصر ایران داشته است. کارنامه چندوجهی او قاره‌ها و رشته‌های مختلف را دربرمی‌گیرد و آثارش در گالری‌های معتبر نمایش یافته و در مجموعه‌های بزرگی چون موزه متروپولیتن، موزه بریتانیا، لاکما و بنیاد سای تومبلی نگهداری می‌شود.

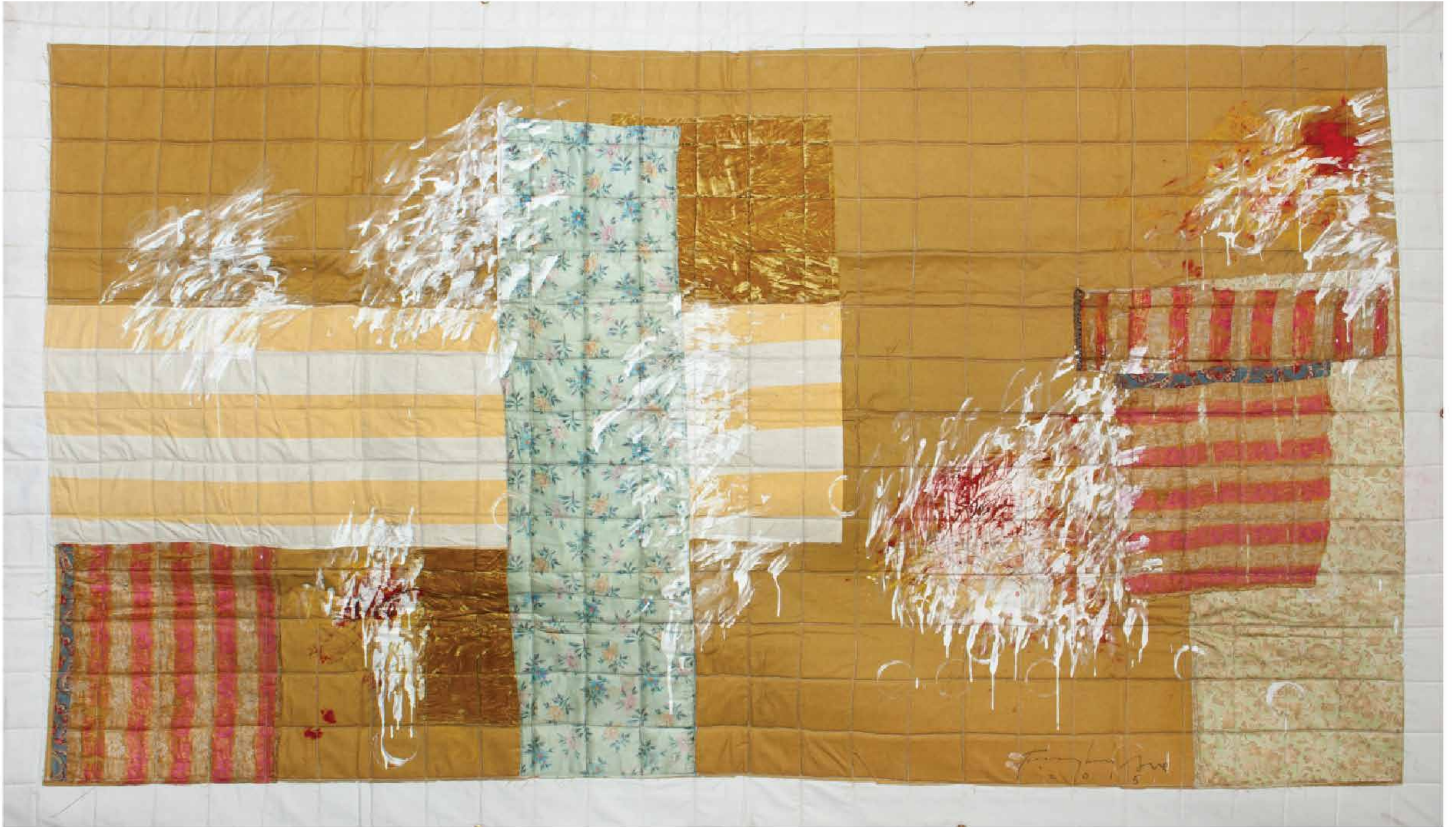
فریدون آو، از چهره‌های تأثیرگذار هنر معاصر ایران است. او در سال ۱۳۴۳ کارشناسی هنرهای کاربردی در تئاتر را از دانشگاه ایالتی آریزونا دریافت کرد، در سال ۱۳۴۸ در دانشگاه نیویورک فیلم خواند و در همان سال در دانشگاه هفت دریا (Semester at Sea) نیز حضور داشت. او در پنج دهه گذشته نقش‌های متعددی را برعهده داشته است؛ از هنرمند، طراح و کارگردان هنری گرفته تا گردآورنده آثار، کیوریتور، گالری‌دار و حامی هنر، و با این فعالیت‌ها اثری ماندگار بر صحنه هنر ایران گذاشته است.

رویکرد هنری او مواجهه‌ای آزادانه با جهان شخصی اوست که تحت تأثیر گستره‌ای از فرهنگ‌ها شکل گرفته است. آثار او پیوسته به رابطه‌اش با سن، اسطوره‌ها، گیاهان، عناصر طبیعی، فصل‌ها، حالات روحی و میراث خانوادگی می‌پردازد. او با بهره‌گیری هم‌زمان از سنت‌های هنری ایران، که به پرکردن سراسر بوم‌گرایش دارد و مینیمالیسم غربی

فریدون آو

«فریدون آو از زمره‌ی هنرمندانی است که همچون رقصندگان، مرزهای فرهنگی را درمی‌نوردد و با سبکی وجود، شهود و گاه عنصری از محاسبه، زندگی را می‌آزماید. او می‌کوشد آنچه را تجربه می‌کند، از خلال اندیشیدن در پیوندها و ابعاد درهم‌تنیده‌ی گسترده، درک کرده و مرئی سازد.»

پیتر فیشر



لحاف شماره ۸ از مجموعه شاه عباس و ساقی / ۲۶۷ × ۱۵۲ سانتی متر / ترکیب مواد - وصله دوزی با پارچه های گوناگون / ۱۳۹۴



مضطرب (مجموعه بیست کاشی) / ۱۷.۵×۱۷.۵ سانتی متر / بافت، دوخت، رنگ‌گذاری و قالب‌گیری / نخ، پنبه و چله پشمی، نخ گلدوزی، رنگ اکریلیک و سیمان / ۱۴۰۴

زمانی که تجربه‌های شخصی با تصویر ذهنی مادر تعارض قرار می‌گیرند، اضطراب شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، تصاویر ذهنی محو و ناتمام می‌شوند؛ دیگر با وضوح گذشته در ذهن نقش نمی‌بندند. این اضطراب، ریشه در تاریخ، سیاست و گسست‌های فرهنگی دارد و مانعی است در مسیر درک شفاف گذشته.

اضطراب، حافظه‌ی بصری ما را تیره و تار می‌سازد و خاطره را به چیزی ناپایدار، لغزان و گاه نادقیق تبدیل می‌کند. آثار من بازتابی از این وضعیت ذهنی و فرهنگی‌اند؛ دعوتی برای گفت‌وگو، شاید به امید بازسازی هویت و بازیابی خاطرات جمعی‌مان..



فریبا پروف

(متولد ۱۳۵۳، تهران، ایران)

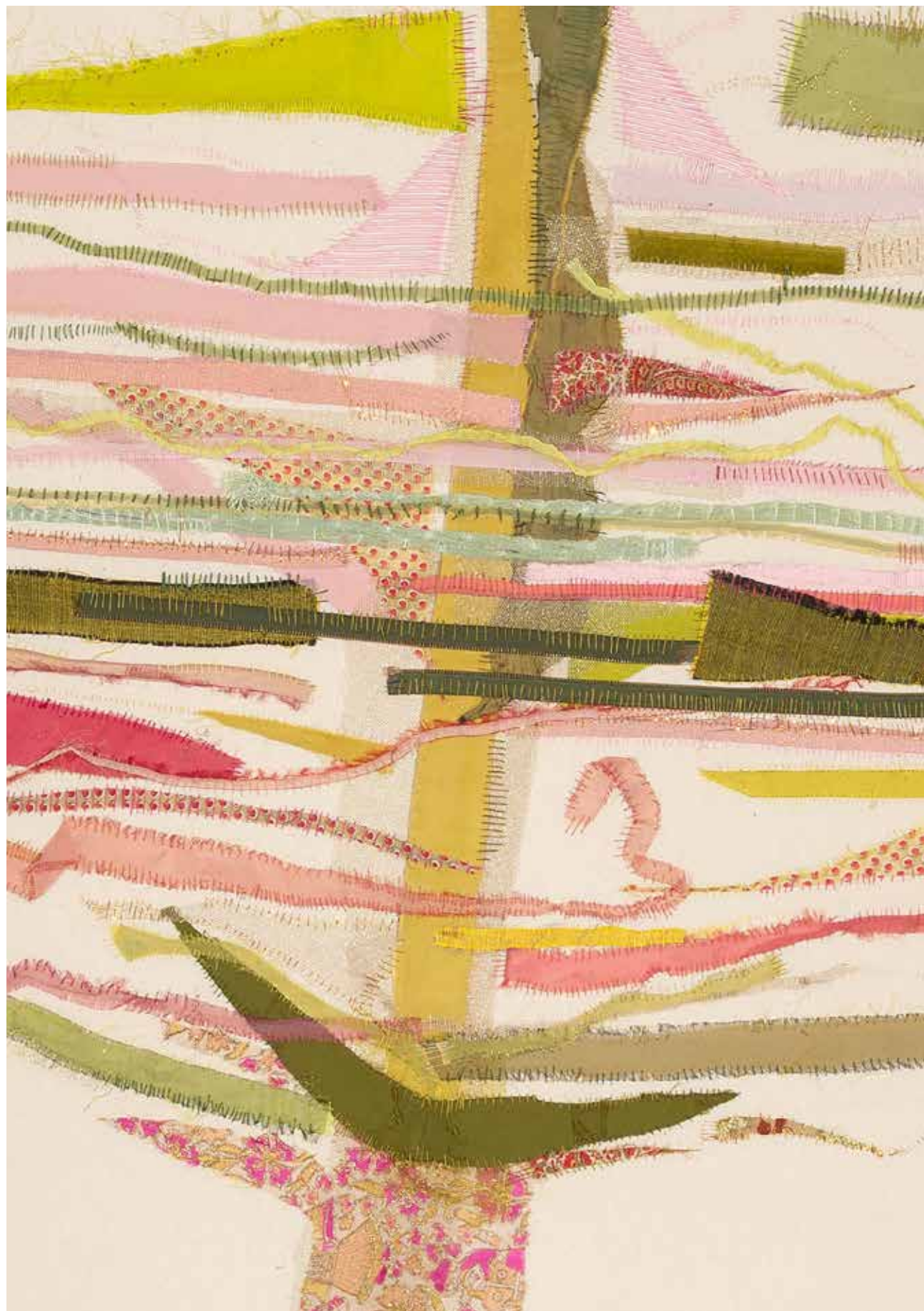
پروفراز سال ۱۳۹۳ بافندگی و تپستری را به‌طور حرفه‌ای آغاز کرد و از ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ با سازمان زیباسازی شهرداری تهران در پروژه‌های حجمی و دیواری همکاری داشت. از ۱۳۹۸ تاکنون نیز به طراحی و اجرای آثار تپستری برای مجموعه‌های خصوصی می‌پردازد. آثار او با الهام از معماری سنتی ایران، نگاهی شاعرانه و انتقادی به شهر، طبیعت و هویت فرهنگی دارند. او عضو انجمن تصویرگران ایران (IIS) است.

او فعالیت هنری خود را از کودکی با نقاشی آغاز کرد و بعدها در رشته طراحی گرافیک تحصیل کرد. از سال ۱۳۷۹ به عنوان تصویرگر و طراح گرافیک با نشریات و انتشارات مختلف، از جمله مجلات سروش و وزارت آموزش و پرورش همکاری داشت. بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ مدیر هنری روزنامه قدس مشهد بود و سپس به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مشاور هنری روزنامه شهرآرا در مشهد فعالیت کرد.

فریبا بروفر

پنت هاوس از مجموعه‌ی آبی / ۱۳۰ × ۴۵ سانتی‌متر / پشم،
مرینوس، نوار تریکو، دوخت و بافت / ۱۴۰۳





بخشی از کار شماره ۱۹ از مجموعه درخت زندگی



شادی پرند

(متولد ۱۳۴۵، تهران، ایران)

روی آورد، اما پارچه همچنان در مرکز کارش باقی ماند. او این شیوه را «نقاشی با پارچه» می‌نامد؛ رویکردی که در آن با استفاده از بافت‌های پارچه‌ای، رنگ‌های طبیعی و مواد بازیافتی، ترکیب‌های چندرسانه‌ای می‌آفریند. آثار او روایت‌هایی لمسی و شاعرانه می‌سازند که میان هنرالیاف، کلاژ و بیان شخصی در حرکت‌اند و جایگاهی ویژه در هنر معاصر ایران یافته‌اند. کارهای شادی پرند تاکنون در سطح بین‌المللی به نمایش درآمده‌اند؛ از جمله در رویداد هنر معاصر ساتبیز (لندن، ۲۰۰۹)، «روزایران» در موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن، ۲۰۰۴) و سه سالانه‌ی هنر معاصر پاریس (۲۰۲۲). تازه‌ترین نمایشگاه انفرادی او با عنوان «درخت زندگی» در گالری سو کانتیمپورری تهران (۲۰۲۴) برگزار شد.

هنرمندی چندرشته‌ای است که در تهران زندگی و کار می‌کند. فعالیت هنری او بیش از چهار دهه پیش با طراحی مد آغاز شد و از همان ابتدا با بهره‌گیری از میراث فرهنگی ایران، شعرو پارچه‌های دست‌باف، نگاهی نو به طراحی ارائه کرد. پرند در خانواده‌ای خلاق رشد یافت؛ پدرش مجموعه‌دار و مادرش طراح مد شناخته‌شده بود. او در آتلیه‌ی مادرش نخستین تجربه‌ها را کسب کرد و سپس طراحی مد را در مؤسسه FIT و پارسونز در نیویورک و پاریس آموخت. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۷۲، مجموعه‌هایش ترکیبی بدیع از مد معاصر و سنت‌های ایرانی بودند که مرزهای رایج آن زمان را به چالش کشیدند. پرند در ادامه مسیر هنری‌اش از طراحی مد به هنرهای تجسمی

شادی پرند

درخت زندگی با پرداختن به جوهره‌ی مشترک انسانی درون همه‌ی آدمیان، مخاطبان را به سفری درونی دعوت می‌کند. این مجموعه که شامل کلاژهایی دست‌دوز با پارچه‌هایی قدیمی است جریان زندگی را در فراز و نشیب‌هایش به تصویر میکشد. در این مجموعه زندگی به عنوان سفری پیچیده و درهم تنیده ترسیم شده است. سفری که در زمان شرایط و ریتم‌های طبیعی هستی شکل می‌گیرد. این سفر به دو شکل جلوه میکند مسیری در بلندای جریان زندگی که در آثاری که در آن‌ها درخت تصویر شده نمود پیدا کرده اند و مسیری در پهنای زندگی که در آثاری با قایق‌های بادبانی تجلی می‌یابند، که هر دو مسیر بازتابی از سلوک معنوی موجود در تمامی انسانها است.

این مجموعه در دورانی به شدت پرچالش و آکنده از اندوه و درد خلق شد. اما در این مسیر روند خلق خود تبدیل به فرآیندی متحول‌کننده شد که روح مرا را غرق در لذت کرد و شفقت تازه در من دمید و آنچه مایلم با مخاطبانم به اشتراک بگذارم همین طیف احساسی است که با سنگینی آندوه آغاز شد و با قدرت متحول‌کننده‌ی لذت پیش رفت هر کوک داستانی در دل دارد و هر تکه پارچه خاطره‌ای از این دوران که ترکیب این دو در کنار هم است که میتواند حسی از پیوند پایداری و بازایی را در مخاطب برانگیزد.

برای من درخت زندگی فراتر از یک نمایش است. این مجموعه ادای احترامی است به همه‌ی موجودات زنده و سفرهای پایداریشان. بازتابی از تعامل پویا میان درد و شادی سکون و حرکت و ریشه دار بودن در عین آزادی گویی این نمایش دعوتی است برای کاوش جریان بیکران زندگی درون و پیرامون ما.



زوال شاخه‌ای از درخت زندگی، که روبه اضمحلال می‌رود!

زوال زیرمجموعه‌ای از مجموعه‌ی «درخت زندگی» است که با الهام از تضاد میان طبیعت و فرآیندهای صنعتی خلق شده است.

در یک سوی آن پارچه‌ی «مهرز» قرار می‌گیرد؛ پارچه‌ای سه‌هزارساله، تنیده از پشم بز و دست‌های بافندگان محلی، که بدون استفاده از ماشین و بارنگ طبیعی خود پشم بافته می‌شود. در سوی دیگر، پارچه‌ای صنعتی؛ بافته‌نشده، زاده‌ی پتروشیمی، و نماد تولید انبوه و مصرف بی‌وقفه که از روند خلق طبیعی و ایجاد معنا، تهی می‌شود.

هر دوی این پارچه‌ها، به نوعی دچار زوال شدند. مهرز طی سالیان و در معرض گذر زمان، دچار بید خوردگی شده و همچنان! به صورت طبیعی از بین رفته؛ اما برای ایجاد زوال در پارچه‌ی صنعتی، از اتوبخار با شدت و فشار بسیار بالا استفاده شده است.

از تضاد و ترکیب بندی این پارچه‌ها در کنار یکدیگر، زوالی خلق می‌شود که می‌تواند به مثابه‌ی گذار از جهان معنا به جهان مصرف قلمداد شود؛ فرسایشی خاموش در بافت این زندگی.

شادی
پزند



مجموعه زوال / چیدمان / کلاژ با پارچه مهرز، پارچه صنعتی و دوخت / ۱۴۰۴



کرانه‌های رنج / ۲۶۰ × ۱۲۰ سانتی‌متر / رنگ فرش، پشم / ۱۴۰۳

مونا
جولا

شناخت رنج موجب می‌شود ظرفیت‌های ذهنی‌ام در مورد رنج و مسئله‌ی دیگری و رنج او از آنچه بر پایه‌ی احساس رنج دریافت کرده‌ام فراتر برود. ایستادن در کرانه‌ای از رنج بی‌نهایت نوعی از روبرو شدن با تروماهای شخصی است. مواجهه با مسئله‌ی زندگی و مرگ، تاب آوردن و نپذیرفتن یا تسلیم شدن است.

کرانه‌های رنج در امتداد پروژه‌ای است که از شش سال پیش آغاز شده است؛ اساس این پروژه بر قربانیان رنج تمرکز دارد، رنجی که از آسیب‌های شخصی شروع شده و برای من در دیگری‌های بی‌چهره تبلور پیدا می‌کند و پرسش اصلی این نمایشگاه نیز در پرداختن به مسئله‌ی رنج، این است که چگونه می‌شود از رنج به شناخت رسید؟



مونا جولا

(متولد ۱۳۶۶، کاشان، ایران)

کارشناسی گرافیک در یک دانشگاه غیرانتفاعی در تهران به پایان رسانده و سپس مطالعه تاریخ و فلسفه هنر را خارج از فضای آکادمیک ادامه داده است.

مونا جولا، در جست‌وجوی بیان ایده‌هایی با بیانی معاصر، به تجربه و کاوش در متریال‌های بومی می‌پردازد. او تحصیلات خود را در مقطع فوق‌دیپلم نقاشی در دانشگاه دولتی اصفهان و



«**نه به بالا نه به پستم**» از مجموعه WOMEN C(A)REATE؛ نمایشگاه منتخب فراخوان اپکس آرت / بخش فوقانی ۲۷×۱۵۰×۱۵۰ سانتی متر، بخش تحتانی ۲۷×۱۵۰×۱۵۰ سانتی متر / چاپ دیجیتال روی پارچه، چهل تکه دوزی، چوب، تک نسخه / ۱۳۹۸



هماد دلورای

(متولد ۱۳۶۰، تهران، ایران)

کشیدن فرم‌های متضاد و به‌کارگیری هم‌زمان عناصر سنتی و امروزی در کارهایش، از یک سو در تلاش است تا گذشته را به حال پیوند داده و تفکر بومی و جهانی را به سازگاری برساند و از سوی دیگر تضادها و تقابل‌های دوگانه‌ی برخاسته از حیات جمعی ما ایرانیان را انعکاس داده و به مخاطب یادآوری کند.

حروف و کلمات در کارهای او تصاویر و فرم‌هایی هستند نه صرفن برای خواننده شدن بلکه برای دیده شدن. ابزار و عناصری برای فضاسازی و به تصویر کشیدن مفهوم و ایده‌ای که به لایه‌های زیرین برده شده و در میان انبوهی از فرم‌های به‌دقت پرداخت‌شده و درهم‌تنیده جاگذاری شده است و نیازمند رمزگشایی توسط مخاطب است.

هما دلورای طراح گرافیک و هنرمند تجسمی ساکن تهران، فارغ‌التحصیل در رشته‌ی ارتباطات بصری از دانشکده‌ی هنرهای زیبا دانشگاه تهران است. در هر دو حیطه، منابع الهام، موضوع و درون‌مایه‌ی کارهای او بیشتر معطوف به مضامین برخاسته از فرهنگ و هویت ایرانی بوده و همیشه در تلاش بوده است تا از وجوه و جنبه‌های مختلف به آنها نگاه کرده و در کارهایش از آنها بهره‌مند شود.

او با بازخوانی و بازاندیشی در تاریخ و گذشته در واقع به دنبال راهی است برای فهم و ادراک وضعیت اکنون. به دنبال چیزهایی است که از گذشته در ماسوب کرده و ماهیت فرهنگی و تاریخی ما را شکل داده و یا مخدوش کرده است. او از طریق به تصویر



هما دلورای

«نه په بالا نه په پستم»

در این چیدمان، اشعاری از شعر کهن فارسی که بسامد دو واژه‌ی «پست» و «بالا» در آن‌ها بیشتر است، انتخاب، برپارچه چاپ و دوخته شده و در دو بخش «فوقانی» و «تحتانی» ارائه شده است. این چیدمان می‌کوشد با به‌کارگیری توأمان این دو واژه، تقابل‌های دوگانه‌ی برخاسته از حیات جمعی ما ایرانیان را بازتاب دهد و به بازنمایی ساحت‌های دوپاره و متعارضی بپردازد که در فراز و فرود تاریخ و تمدن سرزمین مان در آن‌ها فرو افتاده‌ایم و تا امروز در تسلسل بی‌امان‌شان سرگردان مانده‌ایم.

زاویه‌ی دید و شیوه‌ی روایت‌گری اشعار پیوسته در حال تغییر است؛ گاه در اول شخص و از زبان «من» و «ما» روایت می‌شوند، پس با خوانش‌شان تعلق میان مخاطب، گویی صدای خود اویند؛ و گاه مستقیم، همچون خطاب‌های از عالمی غیب، مخاطب را خطاب قرار می‌دهند. گاه «آسمانی» و اسرارآمیز و گاه «زمینی» و بی‌تکلف‌اند؛ گاه در «فضیلت بالایی» و گاه در ردیلت آن می‌گویند؛ گاه در «ردیلت پستی» و گاه در فضیلت آن سخن می‌رانند؛ و گاهی نیز هر دو معنا را پس زده، معنایی فراتر از این دو به خود می‌گیرند.

این تقابل‌های دوگانه می‌کوشند در یک بازی «رفت» و «برگشت» مکرر سر و حرکت توأمان «بالا» و «پایین»، چشم و ذهن مخاطب را به بازی بگیرند. مخاطب ناگزیر است با چرخش‌های «فیزیکی» و «ذهنی» بی‌پای، پیوسته از موقعیتی گسسته و به موقعیت دیگری پرتاب شود. او همچون نظاره‌گری بلا تکلیف و سرگشته، در «آمد» و «شد» میان این دو قطب، معلق میان «زمین» و «آسمان»، دروادی سرسام‌آوری گرفتار خواهد آمد.



یادآوری خاطرات تصادفی وبی اهمیت / ۷۰×۹۵×۹۰ سانتی متر / جعبه فلزی قدیمی، چرخ‌های صنعتی، پارچه، مانیتور قدیمی، ترکیب مواد / ۱۳۹۶



(عکاس: السامرا)

هدا زرباف

(۱۳۶۱-۱۳۹۹، تهران، ایران)

وگاه پوچ آثارش بیانگر احساسات بنیادین انسانی اند که از کمبود و فقدان برمی‌خیزند: ترس، آسیب‌پذیری، میل، رنج و اندوه. آثار چند رسانه‌ای و خیال‌انگیز زرباف پس از مرگش در شهرهایی چون تهران، تورنتو، برلین، هامبورگ، نیویورک و ونکوور به نمایش درآمدند و برخی نیز در موزه هنرهای معاصر تهران و موزه AGO تورنتو به نمایش گذاشته شده‌اند. رسانه‌های بین‌المللی همچون بی‌بی‌سی، سی‌بی‌سی، گاردین و مجله Hi-Fructose نیز به معرفی او پرداخته‌اند. در سال ۲۰۱۹ نام او در کتاب ۱۰۰ مجسمه‌ساز آینده منتشر شد. اما در ۲۹ نوامبر ۲۰۲۰، تنها نه روز پس از افتتاح آخرین نمایشگاه انفرادی‌اش با عنوان «عزیزم، من خانه‌ام!»، در سکوت و در خانه‌اش چشم از جهان فرو بست.

هدا زرباف هنرمند ایرانی-کانادایی بود که در طول دوران کوتاه اما پر بار فعالیت خود بیش از پنجاه مجسمه، چیدمان و اثر چند رسانه‌ای خلق کرد. آثار او با رویارویی با مفهوم نوستالژی، از اشیای یافت شده‌ای بهره می‌برد که ردیای انسان در آن‌ها مشهود است: جوراب‌های استفاده شده، ویدیوهای یوتیوب، تی‌شرت‌های کهنه، فیلم‌های خانوادگی، مانیتورهای قدیمی، صداها و تاریخ گذشته، تار مو، عروسک‌های یتیم و مبلمان رها شده. زرباف با این عناصر، به پرسش حافظه و مفهوم فقدان بازگشت‌ناپذیر می‌پرداخت و غیاب را در قالبی عینی مجسم می‌کرد. او اشیای خانگی دور ریخته و فراموش شده را با سرامیک‌های تازه، نور، صدا، ویدیو یا تکه‌دوزی‌های جدید درمی‌آمیخت تا روایتی معاصر ارائه دهد. شخصیت‌های غریب

هدا زرباف

« عزیزم

اینجا همه چیز تقریباً خوب است؛ برگشتن به فضایی که قبلاً بودی و باز جا گرفتن توش، قواعد خاص خودش را دارد. باید رها کنی، اما نه خیلی رها. باید روی یک خط طلایی بایستی. این شهر را که میدانی خیلی دوست دارم، با همه‌ی بدجنسی‌هاش. دوست دارم سفت بغلش کنم، ماچش کنم، باهاش عروسی کنم. مال هم شویم. پر از تقاضاهای جورواجورم: میخوام تکه‌تکه‌اش کنم و به هم بدوزم‌اش. جا خوش کنم. در محیط اطرافم افقی و عمودی رشد کنم.

این روزها هر چه دیده‌ام خواسته‌ام، هر چه خواسته‌ام به زور گرفته‌ام. چسبانده‌ام/دوخته‌ام/ خراب کرده‌ام- ساخته‌ام. پر از میل به اشیاءم این روزها. لامصب تمامی ندارد. پارچه‌های گل‌گلی مغازه‌ی بابایی که از قدیم به جامانده‌بود را آورده‌ام و به بازی گرفتمشان.

کلمه‌هایی خاص دائماً دوروبرم سرک می‌کشند و شنیدایم می‌کنند. کارهایم مثل دوست‌هایم شده‌اند. شب‌ها میبوسمشان. تنهایی این روزها به هیچ چیز ربطی ندارد. ساکن است و در عین حال متحرک. ببین، تنهایی اصلاً یک موجود قائم به ذات است. از جدایی نمی‌آید. از بی‌کس و کاری هم نمی‌آید.

انگاری دارم یک جوری به خاطره‌های غیرمنسجم آن روزها، حتی همین روزها جسم می‌دهم. خیال کن! خاطرات با دست، با پا، گل‌گلی!

فکر کنم نهایتاً باید برگردم به آن یکی شهر سردم. چه می‌دانم... این روزها حس می‌کنم ما بیشتر از اینکه در مکان سفر کنیم، مسافر زمانیم.

دوستت دارم،
«هدا»



یادآوری خاطرات تصادفی وبی‌اهمیت / ۷۰×۹۵×۹۰ سانتی‌متر / جعبه فلزی قدیمی، چرخ‌های صنعتی، پارچه، مانیتور قدیمی،

ترکیب مواد / ۱۳۹۶



درون و بیرون از مجموعه Frayed Canvas Works
 درون: ۳۰ x ۳۰ x ۶۷۰ cm _ بیرون: ۶۰ x ۶۰ x ۶۷۰ cm
 کرباس خام / ۱۳۹۰ - ۱۴۰۴

هما شجاعی

درون و بیرون کاری از مجموعه آثار Frayed Canvas Works هما شجاعی است. این اثر به امکان‌های فضایی «ستون» می‌پردازد؛ تفاوت یک ستون با تصویر آن چیست؟ وقتی کارکرد سازه‌ای ستون حذف شود چه رخ می‌دهد؟ فضای درونی و بیرونی ستون کجاست؟ آیا ستون می‌تواند به جای فشار، در تنش باشد؟ چه نوع جزئیات اتصال تازه‌ای می‌تواند روی پوست این ستون‌های کتانی شکل بگیرد؟ آنچه میان ایندو ستون ساخته و تجربه میشود چیست؟



هما شجاعی

(متولد ۱۳۴۶، تهران، ایران)

او در Pratt Institute, Illinois Institute of Technology, School of the Art Institute of Chicago و LaSalle College of the Arts تدریس کرده و در حال حاضر هنرمند میهمان در Arts Letters & Numbers است. شجاعی در شیکاگو، نیویورک، دیترویت، ازبیر، کاشان، لوسرن و سنگاپور نمایشگاه داشته است.

هما شجاعی متولد ایران است و با فضا و تصویر و تقاطع آنها با مادیت و ادراک کار می‌کند. او بصورت سیال میان آموزش، معماری، نقاشی، هنرپارچه و ویدئوآرت فعالیت می‌کند. شجاعی مدرک کارشناسی معماری خود را از The Cooper Union در نیویورک و کارشناسی ارشد هنرهای زیبا را از LaSalle College of the Arts در سنگاپور دریافت کرده است.



از مجموعه نسخه های مندرس / ۱۶۰x۱۰۰ سانتی متر / نقاشی روی پارچه و نخ ویسکوز / ۱۳۹۴



نگار فرجیانی

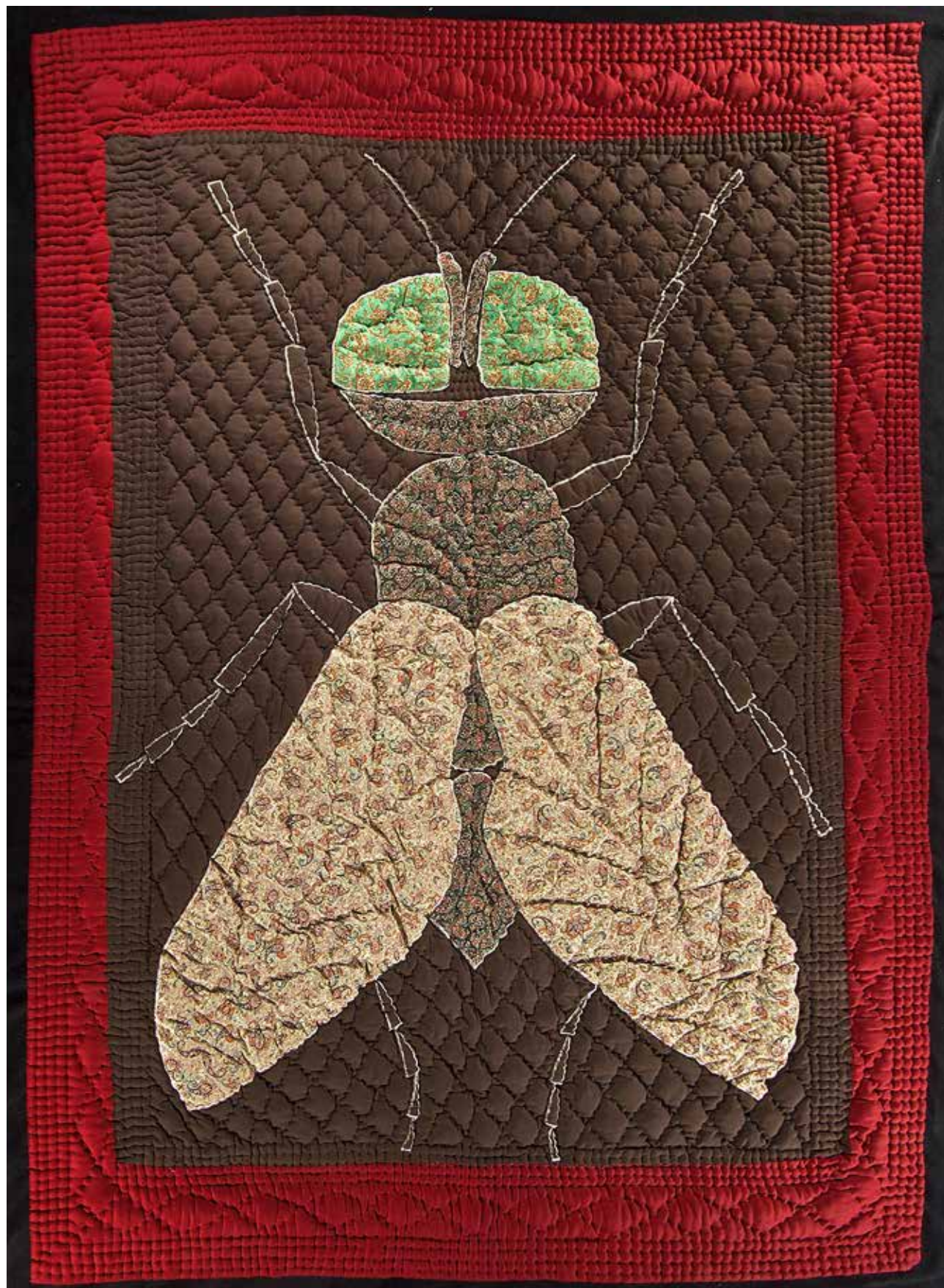
(متولد ۱۳۵۶، تهران، ایران)

چشم اندازی تازه از جامعه دارند. او به قدرت گفتگو باور دارد و هنرا ابزاری برای پرداختن به مسائل اجتماعی، آموزشی، محیط زیستی، سیاسی و هویتی می داند.

فعالیت های متنوع نگار شامل عکاسی، ویدئو، مجسمه سازی، اجرا، نصب، برنامه های آموزشی و ایجاد بسترهای نوین گفتگو و همکاری است. او با بازی با مفهوم فضاهای خصوصی و عمومی، سیستم پویایی از بیان هنری را شکل می دهد. نگار از هنرمندان برجسته ایرانی است که آثار عمومی خلق می کند و در گفتمان هنر ملی و بین المللی نقش مهمی دارد. نمایشگاه ها و سخنرانی های بین المللی او، پیوندهای کارهایش را در هنر جهانی تقویت کرده اند.

نگار فرجیانی، هنرمندی چندرشته ای است که تأثیر عمیق کویر و محیط طبیعی زادگاهش را در آثارش به تصویر می کشد. او با ترکیب عناصر طبیعی و محیطی، در آثارش پیوندی میان هنر و طبیعت ایجاد کرده است. آغاز فعالیت هنری او در حوزه طراحی و نقاشی بود، اما به مرور به بررسی تعامل میان بیان فردی و نظام های اجتماعی پرداخت.

نگار توجه ویژه ای به بخش هایی از جامعه دارد که معمولاً نادیده گرفته می شوند و در آثارش این موضوعات اجتماعی را به شیوه ای یکپارچه وارد می کند. پروژه های مشارکتی و عمومی او نقش مهمی در به چالش کشیدن دیدگاه های مرسوم داشته و ارائه



مگس از مجموعه ی حشرات / ۱۸۰×۲۳۰ سانتی متر / ترکیب مواد، الیاف و کتان / ۱۳۹۴

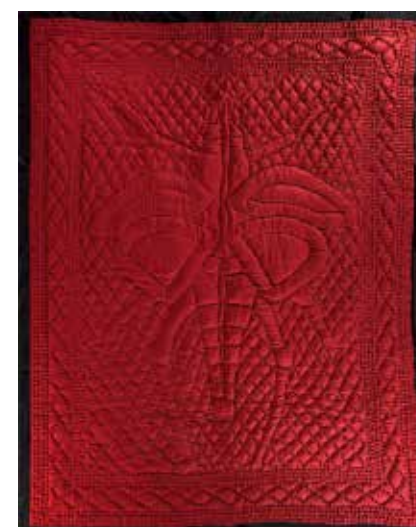


ملخ از مجموعه ی حشرات / ۱۸۰×۲۳۰ سانتی متر / ترکیب مواد، الیاف و کتان / ۱۳۹۴

نگار فرجیانی

«این مجموعه هشت تخته‌ایی از لحاف‌های دست‌ساز، پس از «جنبش سبز» در سال ۱۳۸۸ شکل گرفت و نقطه عطفی در گذار من از نقاشی به هنر پارچه بود. «مگس» و «ملخ» بخشی از همین مجموعه‌اند؛ حشرات گول‌پیکری که روی لحاف‌ها می‌خزند و به جای نقش‌مایه‌های سنتی باغ، رود و سرو در نگارگری ایرانی می‌نشینند. این تصاویر آزاردهنده بازتاب اضطراب‌های امروزند؛ جایی که طبیعت و خاطره به تکه‌تکه‌هایی تقلیل یافته‌اند و زیبایی زیرسایه دل‌آشوبی قرار گرفته است.

چیدمان لحاف‌ها و «حشرات» شان یادآور سبک موزه‌های تاریخ طبیعی سنتی است؛ با سینی‌های پر از پروانه‌ها، سوسک‌ها و نمونه‌های حفظ‌شده. این چارچوب نمایش، این ایده را القا می‌کند که نگریستن به جهان طبیعی از دریچه هنرمی‌تواند حقیقت‌های ژرف‌تری را درباره محیط‌های سیاسی، اجتماعی و علمی‌ای که در آن زندگی می‌کنیم آشکار سازد.»





موجودات زیبا (در بیچ و تاب ریشه های صنوبر) / ۳۶۰×۲۸۰×۲۴۰ سانتی متر/ کاموا، نخ بازیافتی، اشیای دور ریز، شکسته های سرامیکی، سیم مفتول، لاتکس، پرنده های سرامیکی، پارچه، پایپه ماشه، گچ، پوست درخت / ۱۴۰۴

درهم تنیده در ابهام داستانی در حال شکل گیری ...



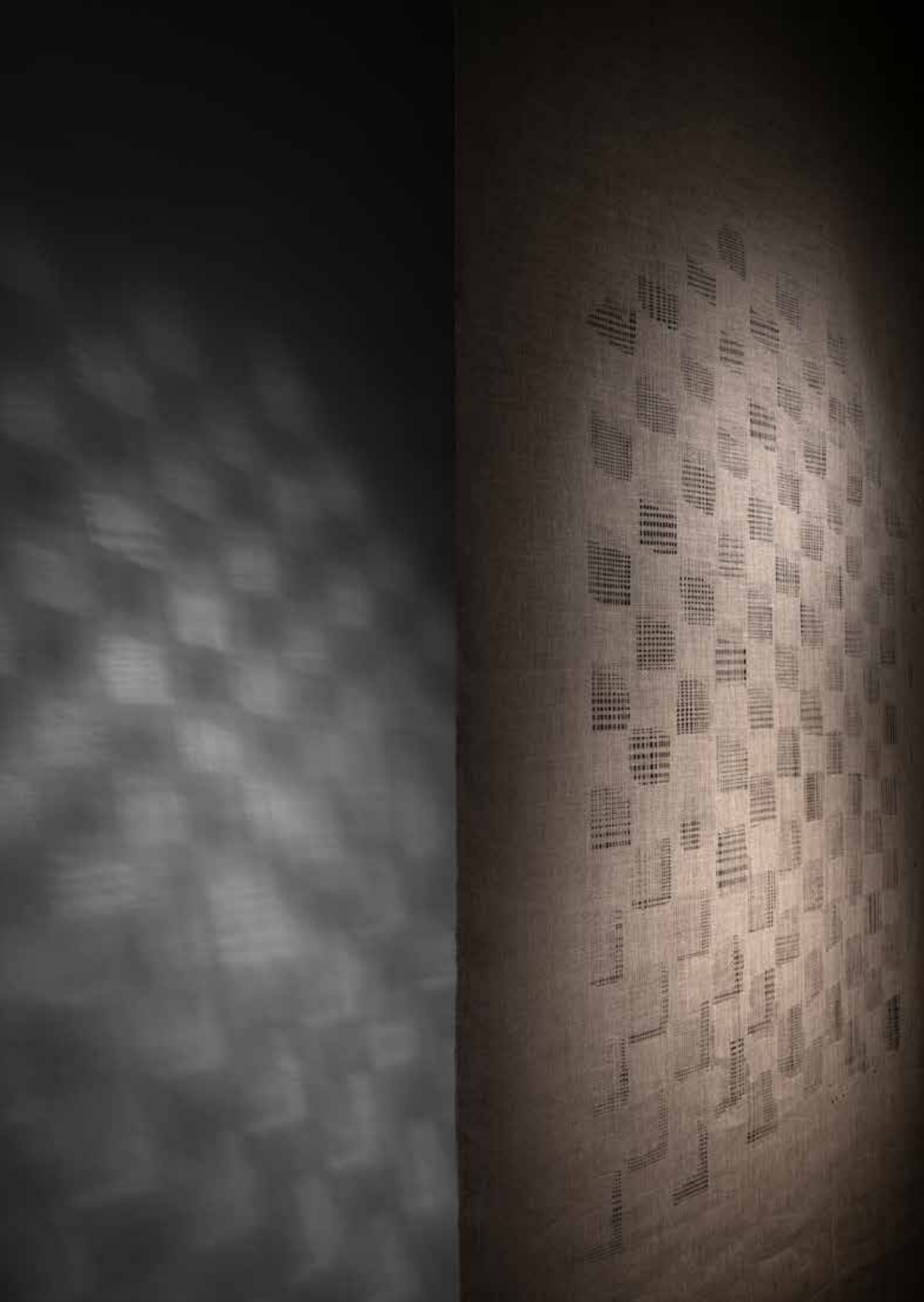
بیبا فیاضی

(متولد ۱۳۴۱، تهران، ایران)

زندگی شهری روبه رو کنند. بیش از دو هزار «سوسک» سرامیکی او علی رغم مخالفتها به ششمین دوسالانه سرامیک معاصر راه یافت. آثار او بیانگر توجه او به فضاهای عمومی، مشارکت اجتماعی و اهمیت فرایند خلق جمعی اند. فیاضی اغلب با هنرمندان و غیرهنرمندان همکاری می کند و از مواد در دسترس برای پیچیدن، رنگ کردن، قالب گیری و ساختن فرم های حجمی بهره می گیرد؛ فرم هایی که انرژی عمل جمعی را در خود مجسم می کنند و در آن، نتیجه ی نهایی اهمیت کمتری از عمل مشترک دارد. در کنار مداخلاتش در خیابان ها و بناهای متروکه تهران، آثار او در سطح بین المللی نیز به نمایش درآمده اند؛ از جمله در پاریس (۲۰۱۶)، اسپاس لویی ویتون پاریس (۲۰۰۸ و ۲۰۱۰)، موزه هنر مدرن فرایبورگ (۲۰۰۷) و موزه پرگامون برلین (۲۰۰۸).

بیبا فیاضی در سال ۱۳۴۱ در تهران به دنیا آمده و همچنان در آن زندگی و کار می کند. او از پیشگامان رویکردهای اجتماعی و مشارکتی در هنر معاصر ایران به شمار می رود. فراتر از تعریف های مرسوم مجسمه سازی، چیدمان یا سرامیک، فیاضی بدنه ای متمایز از آثار خلق کرده که در آن اجرا، عمل جمعی و فرایند تولید اهمیت اصلی را دارند. او از اواسط دهه ۱۳۷۰ با مداخله های هنری خود مرزهای رسمی و تعاریف تثبیت شده ی هنر را به چالش کشید و در دوره ای که هنر مفهومی تازه در ایران مطرح می شد، تجربه ای متفاوت را رقم زد.

پروژه های آغازین او مسیر این رویکرد را روشن کردند. در سال ۱۳۷۷ مجموعه «مرگ در جاده» را خلق کرد؛ سگ های سفالی ای که از روی لاشه های واقعی در بزرگراه های تهران ساخته شده و دوباره به خیابان ها بازگردانده شدند تا عابران را با بازنمایی تکان دهنده ای از



صوونا قائم

(متولد ۱۳۵۴، تهران، ایران)

خاطره، ماده و میراث فرهنگی درهم تنیده می‌شوند. نخستین تجربه‌ی او پس از آموختن مبانی بافت، تجربه‌ای لمسی و دگرگون‌کننده بود. او با الهام از زیبایی‌های خام دست‌بافته‌های عشایری، شیفته‌ی ریتم‌های نامنظم، تکنیک‌های شهودی و پیوند عمیق آن‌ها با طبیعت و حرکت شد. از خلال این نگاه بود که تجربه‌ی بازی با رنگ‌ها را آغاز کرد؛ لایه‌گذاری طیف‌ها، پذیرش تضاد و سپردن بار احساس و خاطره به هر نخ. این جست‌وجوهای اولیه، پایه‌ای برای شکل‌گیری زبان شخصی او در فیبر شد؛ زبانی که همچنان از رهگذر پژوهش در مواد و مشاهده‌ی آرام تکامل می‌یابد.

صوونا قائم هنرمندی چندرسانه‌ای است که مسیر هنری‌اش در نقاشی ریشه دارد و به‌طور عمیق از جهان لمسی و شاعرانه‌ی منسوجات الهام می‌گیرد. او از نوجوانی، آموزش نقاشی را نزد استادان برجسته‌ی ایرانی آغاز کرد و به تدریج با جذب شدن به بافت، روایت‌ها و نمادهای نهفته در پارچه‌ها، تمرکز خود را به الگوهای سنتی منسوجات ایرانی و هنرهای تزئینی معطوف ساخت. در گذر زمان، آثار او با گردآوری و مطالعه‌ی پارچه‌ها، تزئینات و دست‌ساخته‌های قدیمی تکامل یافته است. این کاوش مداوم، شیوه‌ای از کار را برای او شکل داده که بر طراحی پارچه، بافت و پژوهش متمرکز است؛ جایی که



صونا قائم

با نخهایی از ساقه کتان، به رنگ خشت، پارچه ای مهیا می‌کنم. تار و پودش را می‌گشایم تا عبور نور از دل خشت میسر شود، همچون پنجره‌ها مشبک ایرانی. پودگشایی ماهیت منعطف پارچه را شکوفا کرده و آن را به دروازه‌ای رو به نور مبدل می‌کند تا اتصالی باشد میان درون و بیرون، اتصالی میان فضا و هویت. روزنه‌ها مسیر تنفس اند و انبساط محیط را فراهم می‌کنند. تعدد تار و پود، کسر و بسط در ابعاد و حدود را معین می‌کند که مترادف شدت وحدت ریزش نور است. و به تبع آن ماهیت سایه‌ها- تا از تعلق فضا به ماده کاسته و به جریان فراترازان ملحق شود.

جالی / ۲۳۰ × ۱۳۷ سانتی متر / پودگشایی (باز کردن تار و پود روی لینن خام) / ۱۴۰۴



بازدید: زیرو-جی / ۳۰۰×۸۰۰ سانتی متر / مرکب روی پارچه / ۱۳۹۷

«بازدید: زیرو-جی» بخشی از یک مجموعه‌ی چیدمان است که جوهره‌ی فضای معماری ایرانی را بازآفرینی می‌کند. این اثر با استفاده از مرکب روی پارچه‌ی توری و در ابعاد ۸۰۰ در ۳۰۰ سانتی متر اجرا شده و در قالب پرده‌ای عظیم، استواری معماری را به کاوشی درباره‌ی بی‌وزنی بدل می‌سازد. چیدمان الگوهای پی‌درپی، گذرگاه‌ها یا ستون‌هایی را تداعی می‌کند که در عین یادآوری نظم معماری، آن را در سیالیت و شفافیت حل می‌نمایند. برخلاف معماری سنتی که ماندگاری، سنگینی و صلبیت را القا می‌کند، «زیرو-جی» بر بی‌وزنی، شفافیت و ناپایداری تأکید دارد. سطح پارچه که نسبت به نور و حرکت واکنش نشان می‌دهد، مخاطب را به گفت‌وگویی حسی فرامی‌خواند؛ جایی که صلابت جای خود را به توهم و شکنندگی می‌دهد. این اثر در پی برانگیختن تجربه‌ای معلق میان نظم و بی‌نظمی، حضور و غیاب است؛ جایی که معماری به ژست‌هایی شاعرانه بدل می‌شود و حافظه، ادراک و تخیل درهم می‌آمیزند.

عاطفه
مجیدی نژاد



عاطفه مجیدی نژاد

(متولد ۱۳۶۲، اصفهان، ایران)

در ایران، اروپا، آمریکای شمالی و خاورمیانه حضور داشته است. مجیدی نژاد در طول فعالیت هنری خود موفق به دریافت جوایز معتبری نیز شده است؛ از جمله جایزه نقره‌ای لورنزو ایل ماگنیفیکو در دوسالانه فلورانس ۲۰۲۳ برای یک اثر اینستالیشن و جایزه نخست ابتکار خور در سال ۲۰۲۲، همچنین آثار او در مجموعه‌های معتبری از جمله در دبی نگهداری می‌شوند. مجیدی نژاد از رهگذر نقاشی، اینستالیشن و کاوش‌های مفهومی، معماری را به عنوان زبانی شاعرانه و پویا بازآفرینی می‌کند. او با آثارش مخاطب را به تأمل در شکنندگی و پایداری، و نیز در نقش معماری در شکل‌دهی به تجربه‌های فردی و جمعی فرامی‌خواند.

عاطفه مجیدی نژاد هنرمندی ایرانی است که آثارش به بررسی رابطه میان معماری و تأثیر آن بر ادراک انسان می‌پردازد. رویکرد هنری او بازتابی است از اینکه چگونه فضاهای ساخته شده حامل حافظه، هویت و دگرگونی‌های فرهنگی هستند و مخاطب را دعوت می‌کنند تا معماری را هم به مثابه ساختار و هم به عنوان استعاره تجربه کنند.

او در سال ۱۳۸۵ کارشناسی نقاشی خود را از دانشگاه هنر اصفهان و در سال ۱۳۸۸ کارشناسی ارشد نقاشی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. از آن زمان تاکنون، آثار او در چهار نمایشگاه انفرادی و بیش از بیست نمایشگاه گروهی و رویداد بین‌المللی هنر به نمایش درآمده‌اند. آثار او در گالری‌ها و مؤسسات هنری



لانه / ۱۰۰ × ۱۷ × ۲۵۰ سانتی متر / پارچه دستبافت، رودوزی / پنبه، کنف، الیاف مصنوعی، بند، سیم، پشم / ۱۴۰۰



افسانه مدیرامانی

(متولد ۱۳۴۶، تهران، ایران)

شرکت داشته است. آثار نساجی افسانه مدیرامانی تأملاتی شاعرانه درباره‌ی زندگی شهری، خاطره و دگرگونی‌اند. او بافنده‌ای است که با هر نخ، ضرب‌آهنگ شهر را ثبت می‌کند. لایه‌هایی از لحظه‌های گذرا، یادهایی که کم‌کم رنگ می‌بازند، و معماری‌ای که در سکوت ایستادگی می‌کند. منسوجات او فراتر از ترکیب‌های بصری‌اند؛ روایت‌هایی بافته شده از چشم‌اندازی بی‌قرار. در آثارش، انسان‌ها، خودروها، ساختمان‌ها و ردّ حرکت‌ها چون نقش‌هایی زودگذر در تار و پود پارچه ثبت می‌شوند. آثار اخیرش در قالب پرده‌های دیواری و فرم‌هایی الهام‌گرفته از معماری ارائه می‌شوند؛ بازتاب‌هایی از فضاهایی که ساخته شده‌اند، متروک مانده‌اند، و دوباره جان گرفته‌اند. او هم‌زمان تقابل نظم و آشوب، رشد و فرسایش، و در نهایت، خاطره و واقعیت را به تصویر می‌کشد. در ریتم بافندگی، ماندگاری را می‌یابد؛ و در زندگی شهر، دگرگونی را حس می‌کند. هنراو، نقطه‌ی تلاقی حس، خاطره، سکون و حرکت است.

افسانه مدیرامانی، هنرمند و طراح نساجی ساکن تهران است. او دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی صنایع دستی از دانشگاه هنر اصفهان است و بیش از سی سال در زمینه طراحی و بافت پارچه و فرش فعالیت حرفه‌ای دارد. وی دارای نشان درجه یک هنری در رشته طراحی و بافت پارچه از وزارت میراث فرهنگی است که معادل مدرک دکتری به‌شمار می‌رود. همچنین، نشان ممتاز یونسکو و شورای جهانی صنایع دستی (WCC) را در زمینه نساجی دریافت کرده است. او به مدت ده سال در دانشگاه علم و فرهنگ در رشته طراحی پارچه تدریس کرده و در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۱ به عنوان یکی از سیزده فینانالیست نهایی جایزه بین‌المللی صنایع دستی بنیاد لووه (Loewe Foundation Craft Prize) انتخاب شده است. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۴ در نمایشگاه‌ها، رویدادهای هنری و اکسپوهای متعدد گروهی و انفرادی در ایران و کشورهای فرانسه، ایتالیا، بلژیک، المان، برزیل، استرالیا، چین، تایلند و امارات متحده عربی



بخشی از کار



رنگ‌های غروب، شعر عصر تابستان را می‌نوشتند / ۱۸۰ × ۲۲۰ سانتی‌متر / پارچه دستبافت، سنتیک، پنبه / ۱۴۰۴

افسانه مدیرامانی

آثار نساجی افسانه مدیرامانی تأملاتی شاعرانه درباره‌ی زندگی شهری، خاطره و دگرگونی‌اند. او بافنده‌ای ست که با هر نخ، ضرب‌آهنگ شهر را ثبت می‌کند. لایه‌هایی از لحظه‌های گذرا، یادهایی که کم‌کم رنگ می‌بازند، و معماری‌ای که در سکوت ایستادگی می‌کند. منسوجات او فراتر از ترکیب‌های بصری‌اند؛ روایت‌هایی بافته‌شده از چشم‌اندازی بی‌قرار. در آثارش، انسان‌ها، خودروها، ساختمان‌ها و ردّ حرکت‌ها چون نقش‌هایی زودگذر در تار و پود پارچه ثبت می‌شوند. آثار اخیرش در قالب پرده‌های دیواری و فرم‌هایی الهام‌گرفته از معماری ارائه می‌شوند؛ بازتاب‌هایی از فضاهایی که ساخته شده‌اند، متروک مانده‌اند، و دوباره جان گرفته‌اند. او هم‌زمان تقابل نظم و آشوب، رشد و فرسایش، و در نهایت، خاطره و واقعیت را به تصویر می‌کشد. در ریتم بافندگی، ماندگاری را می‌یابد؛ و در زندگی شهر، دگرگونی را حس می‌کند. هنر او، نقطه‌ی تلاقی حس، خاطره، سکون و حرکت است.



یک روز آفتابی / ۱۶×۱۸۵ سانتی متر / دوخت با چرخ خیاطی روی پارچه یکتانی / ۱۴۰۴

لاله معمار اردستانی

در یک سال گذشته، تمرکز هنری من معطوف به مدیوم تکستایل آرت بوده است؛ جایی که نخ، پارچه و چرخ خیاطی به عناصر اصلی در فرآیند خلق آثارم بدل شده‌اند. از نگاه من، رابطه‌ی میان الیاف و سوزن، فرایندی لطیف، غیرقابل پیش‌بینی و در عین حال آکنده از بیانی زنانه است.

انتخاب من برای کار با منسوجات از این باور عمیق نشأت می‌گیرد که مدیوم‌های سنتی مانند نقاشی، چاپ یا طراحی، توانایی انتقال پیچیدگی‌های احساسی و تجربیات بدنی‌ای را که به آن‌ها می‌پردازم، ندارند. پارچه، به‌عنوان یکی از نیازهای بنیادین بشر، حامل حافظه‌ای از صمیمیت، رنج و مراقبت است.

در هنر دوخت، می‌گویم احساسات را به شکلی دیدنی و ملموس درآورم؛ به آن‌ها بُعد و بافت ببخشم. آثارم بیننده را دعوت می‌کنند تا از طریق نخ‌ها احساس کند، میان دوخت‌ها بخواند و به روایت‌هایی وصل شود که در سکوت پارچه تنیده شده‌اند.



لاله معمار اردستانی

(متولد ۱۳۵۱، تهران، ایران)

شدن به خلوص می‌رسند، کم‌گویی می‌شوند و سادگی زیست خود را بیان می‌کنند. خطوط به کامل کردن این روند جلا می‌بخشند و چه به لحاظ بیان و چه ساختار نقش خود را ایفا می‌کنند. در جایی جاری بودن و سیال بودن و جایی دیگر سکون و سکوت، لحن شخصی و ساده‌نگری هنرمند را به نمایش می‌گذارند. خصلتی ارگانیک، زنده و معنا بخش همواره در هنر او متمرکز می‌باشد.

آثار او تاکنون هم در ایران و هم خارج از ایران، در آرت فرها و نهادهای هنری مستقل (گالری) به نمایش درآمده است. همچنین بخشی از آثار وی در طی این سالها به صورت خصوصی در استودیوی هنرمند ارائه گردیده است.

لاله معمار اردستانی هنرمند چندرشته‌ای در زمینه طراحی، چاپ دستی، نقاشی و تکستایل ساکن تهران می‌باشد.

دیپلمه گرافیک (ارتباط تصویری) و دانش آموخته رشته گرافیک (ارتباط تصویری) در مقطع کارشناسی از دانشگاه هنر و معماری واحد تهران مرکز بوده و سپس تحصیل و تجربه هنری خود را در کشور انگلستان در رشته‌های طراحی فیکور، چاپ دستی و تصویرسازی نیز ادامه داده است.

امروزه رویکرد او به هنر معاصر به عنوان یک رسانه ارتباطی و تصویری به مثابه چندمنظوره بودن است.

طراحی به طور مستمر شیوه بیانی او گردیده است، حد واسطی بین انتزاع و واقعیت تاجایی که فرم‌های عینی در مسیر استحاله



گیلگمش / ۳۹۰ × ۳۰۰ سانتی‌متر / اکوپرینت و چاپ دستی از گیاهان طبیعی، تکه دوزی و گلدوزی روی پارچه / ۱۴۰۲-۱۴۰۱

گیلگمش یکی از کهن‌ترین روایت‌های بشری است؛ داستانی که در سرزمینی اتفاق افتاده که زادگاه من است، نزدیک به جایی که اکنون در آن زندگی می‌کنم. این روایت، درگیری انسان با مرگ، انکار آن، و در نهایت پذیرش اش را نشان می‌دهد. داستانی درباره جستجوی جاودانگی، و در مرکز آن، "گیاه جاودانگی" که بیشتر از هر بخش دیگری من را جذب کرد. این گیاه، برای من نماد امیدی است که به آن دل می‌بندیم و برایش مسیر سختی را طی می‌کنیم، حتی اگر در پایان آن را از دست بدهیم. برای رسیدن به آن، باید قصه طوفان بزرگ را شنید. این طوفان مرا به یاد بازماندگان انداخت، و این که ما از نسل آنانیم. برای روایت چندلایه‌ی این داستان، تنها نقاشی کافی نبود. از تکنیکهای دوخت دوره نوجوانی برای ساخت کار پارچه‌ای بزرگ استفاده کردم و شخصیت‌های مهم داستان را روی پارچه دوختم. این اثر درباره ایستادگی، حافظه، و ادامه دادن است.



شیرین ملت گهر

(متولد ۱۳۵۵، بغداد، عراق)

خانواده‌اش را از عراق اخراج کرد و آن‌ها به ایران فرستاده شدند. چند ماه بعد، صدام به ایران حمله کرد، بخشی از خاک آن را اشغال نمود و جنگی هشت‌ساله آغاز شد. شیرین با هویتی ملی ترکیبی (ایرانی-عراقی) در جامعه‌ی ایران و در خلال جنگ رشد کرد. او عمدتاً با نقاشی و طراحی کار می‌کند و از طریق صنایع دستی خانگی، که در سنین بسیار پایین از مادرش آموخته، مانند گلدوزی، قلاب‌بافی و خمیرکاغذ، به بیان هویت ملی دوگانه‌ی خود می‌پردازد.

شیرین ملت گهر هنرمند تجسمی ساکن تهران، ایران است. او مدرک کارشناسی نقاشی خود را از دانشگاه هنر تهران دریافت کرده است. آثار او در نمایشگاه‌های متعددی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، به نمایش درآمده‌اند؛ از جمله در گالری شوگر (آمریکا)، گالری نارگاتسی (ارمنستان)، گالری آران (تهران)، گالری هما (تهران)، اولین سمپوزیوم نقاشی در موزه زندان قصر (تهران) و نخستین دوسالانه طراحی (کرج). در سال ۱۹۸۰، صدام حسین به دلیل ملیت ایرانی خانواده‌ی او، شیرین و

شیرین ملت گهر

پیش از کرونا پدرم تسبیح‌های استفاده شده در یک حسینیه را به خانه می‌آورد و نخ کهنه آنها را با نخ‌های جدید عوض می‌کرد. نخ‌های کهنه با شیخ‌هایی که بر سر برخی از آنهاست برای بافت دو حجم اول و کوچک‌تر بکار رفتند. بخش پاییه ماشه کار از خمیر کردن کاغذ باطله بدست آمده: رسیده‌ها، یادداشت‌ها، فاکتورها، بخشی از روزمرگی‌هایمان. در حجم‌های بزرگ‌تر، نخ مورد نیازم را از کهنه لباس‌های خود و خانواده‌ام رشته کردم. با از بین بردن پیراهن و شلوار و روسری و جوراب کهنه، به تنوع رنگی و بافتی که می‌خواستم دست یافتم.



فرم شماره دو از مجموعه بازمانده‌ها / ۹۰ دره ۹۰ دره ۲۴ سانتی‌متر / بافت بارشته‌های لباس کهنه روی مفتول آهنی / ۱۴۰۰



فرم شماره یک از مجموعه بازمانده‌ها / ۶۰ دره ۶۰ دره ۱۸ سانتی‌متر / بافت بارشته‌های لباس کهنه روی مفتول آهنی / ۱۴۰۰



سرپناه_ از مجموعه "خانه نفس می کشد" / ۴۰۰ در ۱۷۰ سانتیمتر / نخ کاموا و پلاستیک بازیافتی / ۱۳۹۶



نرگس هاشمی

(متولد ۱۳۵۸، تهران، ایران)

بیش از ۱۵ نمایشگاه انفرادی در ایران، امارات متحده عربی و فرانسه برگزار کرده و در نمایشگاه‌های گروهی متعددی در ایران، امارات، ایتالیا، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، کویت، اتریش، انگلستان و عربستان سعودی شرکت داشته است.

نرگس هاشمی، هنرمندی فعال در حوزه هنرهای تجسمی است. او تحصیلات خود را در سال ۱۳۷۷ در دانشگاه هنر تهران در رشته نقاشی آغاز کرد و سپس در سال ۱۳۸۰ در بنیاد نیشابور در زمینه زبان‌های باستانی ایران ادامه داد. فعالیت هنری هاشمی از سال ۱۳۸۰ آغاز شد و تاکنون



از مجموعه "خانه نفس می کشد" / ۲۰۰×۹۵×۵۰ سانتی متر / نقاشی روی پارچه بوم و نخ کاموا / ۱۴۰۲

نرگس هاشمی

نرگس هاشمی تمرین هنری خود را در میان مدیوم‌های مختلفی از جمله نقاشی، طراحی، چاپ، مجسمه‌سازی و چیدمان ادامه می‌دهد و خود را محدود به فرمت خاصی نمی‌کند. هر داستانی را به شیوه‌ای متفاوت بیان می‌کند که همواره در حال تغییر و تکامل است. او با پرهیز آگاهانه از روش شخصی و تکرار در بیان، مسیر هنری خود را ادامه می‌دهد.

تأثیر هنرمندان دهه هفتاد میلادی، به ویژه فیت ویلد نینگ Faith Wilding، که با همکاری زنان تلاش داشتند جایگاه هنرهای دستی را هم‌ارز دیگر هنرهای زیبا معرفی کنند، بر کار او مشهود است. هاشمی قلاب‌بافی‌ها را در ادامه این مسیر انجام می‌دهد و تمرین هنری‌اش را با چیدمان‌های قلاب‌بافی شده با همکاری خواهرانش، اعظم و اکرم هاشمی شکل می‌دهد.

پرده‌های قلاب‌بافی، همانند دیوارهای ظریف، دو فضا را از یکدیگر جدا می‌کنند؛ فضایی که هم پناه و پوشش می‌دهد، هم به جمع شدن کنار هم تشویق می‌کند و تعامل میان اثر و مخاطب ایجاد می‌کند، بدون آنکه آن‌ها را کاملاً از یکدیگر پنهان سازد. این فضاهای معماری بافته شده و سایه‌هایشان مخاطب را به تجربه همزمان دیدن مرز میان خود و سایه‌ها و تفکر میان واقعیت و بازنمایی دعوت می‌کنند.



(متولد ۱۳۶۸، تهران، ایران)

دُرسا بسیج هنرمندی چندرشته‌ای مستقر در تهران است که رویکرد مفهومی‌اش شاخه‌هایی از عکاسی، مجسمه‌سازی و ویدئو-اینستالیشن را در بر می‌گیرد. با پیشینه‌ای در رشته زیست‌شناسی، مسیر هنری او ابتدا به صورت خودآموخته آغاز شد و سپس از طریق دوره‌ها و کارگاه‌های تخصصی تکامل یافت. دُرسا برای خلق آثارش از زندگی روزمره الهام می‌گیرد و روایت‌هایی ژرف را از دل امور پیش‌پاافتاده آشکار می‌سازند. او با توجه دقیق به جزئیات، به بررسی مضامینی چون زوال، دگرگونی و گذر زمان می‌پردازد و با بهره‌گیری از رسانه‌های ترکیبی، پیچیدگی‌های فرهنگ معاصر را بازتاب می‌دهد. فرآیند در کارهای او نقشی محوری دارد؛ تجربه

شکل‌گیری و دگرگونی اثر برایش به همان اندازه اهمیت دارد که نتیجه نهایی، و این نگاه، حضور زمان و محیط را در آثارش پررنگ می‌کند.

شیفتگی او به فضاهای صنعتی از «میراث صنعتی» آغاز شد؛ پروژه‌ای که در یک کارخانه متروکه فرآوری چوب به وسعت هفده هکتار شکل گرفت. این پروژه که از طریق فراخوان آزاد برگزیده شد، زمینه‌ساز یک اقامت هنری دوساله در کارخانه نوآوری دیهیم شد؛ درسای در طول این مدت، استودیوی خود را به مرکز برای آفرینش هنری، اندیشه‌ورزی و شکل‌گیری تجربه‌های مستقل ویدئویی تبدیل کرد.



أخرا / ۷ رول، هر کدام تقریباً ۱ متر × ۱۰ متر / چاپ دیجیتال روی فیلم شفاف نورپردازی شده و سازه فلزی موقت / ۱۴۰۴

درسای
بسیج

آنچه پیش‌روست تجربه‌ای است از همزیستی با نور، خاک و باران؛ عناصری که در گذر زمان رسوب کرده، همزمان ثبت و زوده شده‌اند. این رسوبات حافظه‌ای بصری‌اند؛ نشانه‌هایی که محیط بر تصویر حک کرده است. ساختاری موقت و ناپایدار در کاشان پدید می‌آید، درهم‌تنیده با معماری و اقلیم آن. طومارها بر چارچوب‌ها امتداد می‌یابند و فضایی زنده و دگرگون‌شونده از تار و پودهایی ناپایدار می‌بافند؛ فضایی که در خود، وضعیتی ناپایدار را حمل می‌کند. أخرا لحظه‌ای کوتاه از پیوند انسان و زمین را آشکار می‌سازد؛ تجربه‌ای معلق در مرز میان زوال و بقا. در این مرز، معماری، حافظه و طبیعت به هم می‌پیوندند و فرمی ارگانیک پدید می‌آورند؛ فرمی که رد گذشته را در خود دارد و پیوسته با زمان دگرگون می‌شود.

گودال باغچه

درستایش موزه فرش و پارچه مرشدی

موزه فرش و پارچه مرشدی در کاشان، حاصل سه دهه تلاش علی مرشدی، فعال حوزه فرش دستباف، مجموعه‌دار و بافنده برجسته است. او با گردآوری و بافت فرش‌ها و دست‌بافت‌های نفیس، تاریخی و معاصر، بستری برای بازخوانی هویت هنری کاشان فراهم کرده است. این گنجینه امروز بیش از ۲۰۰ اثر را دربر می‌گیرد؛ از مخمل‌های ناصرالدین‌شاهی و زربفت‌های پهلوی اول گرفته تا قالی‌ها و پارچه‌های کمیاب دوران صفوی و قاجار. در کنار این آثار تاریخی، نمونه‌های بازبافت‌شده از طرح‌های اصیل محتشم و نقش‌هایی نوآورانه که بر پایه اشعار و مفاهیم فلسفی خلق شده‌اند، مجموعه را پویا و زنده نگاه داشته است.

در فرآیند ساخت موزه، طراحی معماری به فیروز فیروز سپرده شده که همچنان بر اجرای پروژه نظارت دارد. او کوشیده است بنایی معاصر را با زبان زمینه‌گرایانه و انسانی در دل بافت تاریخی شهر بیافریند. نمای آجری با منحنی‌های نرم، بامی که همچون ادامه‌ای از فضای عمومی عمل می‌کند و ورودی آرام و دعوت‌کننده، جلوه‌ای ویژه به موزه داده است. در کنار این معماری، طراحی گرافیک و هویت بصری موزه نیز با هدایت رضا عابدینی، طراح نام‌آشنا در حال شکل‌گیری است.

گنجینه موزه تنها به نگهداری محدود نمی‌شود، بلکه ادامه‌ای بر سنت زنده هنر کاشان است. علی مرشدی با تأکید بر رنگرزی طبیعی و بهره‌گیری از مواد زیست‌تخریب‌پذیر همچون پشم و ابریشم ایرانی، سنت دیرینه شهر را به شکلی نو زنده کرده است. کارگاه‌های او علاوه بر تولید، به آموزش این فن می‌پردازند و بدین ترتیب دانش بومی را به نسل آینده منتقل می‌کنند.

این موزه در حال ساخت است و به زودی به روی عموم گشوده خواهد شد. در آینده، گنجینه ارزشمند فرش‌ها و پارچه‌های آن نه تنها با حفظ و نگهداری شایسته در معرض نمایش قرار می‌گیرد، بلکه فرصتی تازه برای معرفی میراث هنری کاشان به جهانیان فراهم خواهد کرد.



موزه فرش و پارچه مرشدی
مستقیم

آدرس به زودی: خیابان باباافضل، خیابان باب الحوائج، روبه روی ورودی بازار. موزه فرش و پارچه مرشدی
E: Museum.morshedi@gmail.com / Instagram: museum.morshedi

MODĀM

SECTION
ceramics



SECTION
ceramics

تهران، احمد آباد مستوفی، شهرک بهسازی صنایع چوب / @modamsectionceramics



LEKASY EXPERIENCE

SCAN ME

LEKASY
ROASTERS

هر فنجان، آغاز یک سفر!

لایزهای قهوه‌ی لکاسی، حاصل برشته کاری
اختصاصی و انتخاب دقیق بهترین دانه‌هاست.



کاشان، خیابان غزنوی، نبش فروردین هشتم



شرکت ریسندگی بایرکاشان

آدرس: کاشان-شهرک صنعتی سلیمان صباحی، بلوار صادرات، پلاک ۲۰۸،
کد پستی: ۸۷۳۵۱۸۶۱۱۵ / تماس: ۴۴-۹۸۴۷۵۹۸۴۷ (۳۱) ۹۸+


شرکت ریسندگی بایرکاشان
Bayer Khashan Spinning Company

آدرس: کاشان، شهرک صنعتی سلیمان صباحی، بلوار صادرات، پلاک ۲۰۸،
کد پستی: ۸۷۳۵۱۸۶۱۱۵ | تلفن: ۴۴-۹۸۴۷۵۹۸۴۷ (۳۱) ۹۸
Info@bayerkashan.com / www.bayerkashan.com